

نگاهی به تحولات سیاسی و اقتصادی جزیره خارک از دوران باستان تا عصر صفویه

امیر رضوان تبار^۱

فرهاد پروانه^۲

چکیده

و طوفانهای شدید دریایی و یا واقع نبودن بر سر راه‌های تجاری آباد نشده‌اند و همچنین تعدادی از این جزایر تا به امروز غیرمسکون مانده و هرگز روی آبادی ندیده‌اند. سابقه تاریخی و حوادث نظامی که بر این جزیره‌ها گذشته و اهمیت و وضعیتی که در دوره‌های مختلف تاریخی داشته‌اند، یکسان نبوده است. جزیره خارک در ادوار باستانی و پیش از ظهور اسلام، پایگاه دریایی و محل رفت و آمد سوداگران و دریانوردان بوده است. این جزیره بدلیل موقعیت ارتباطی چه در دوران باستان و چه در دوران اسلامی نقش عمده‌یی در تحولات اقتصادی سیاسی خلیج فارس ایفا نموده است. جزیره خارک جزء امپراطوریهای ایلام (عیلام) و هخامنشی در دوران پیش از اسلام بوده و قرن‌ها مرکز فعالیت‌های تجاری و دریایی بین خاور و باختر بشمار میرفته است.

جزیره خارک یکی از جزایر مهم و استراتژیک خلیج فارس است. اهمیت این جزیره تنها به جایگاه و تأثیر آن در قرون جدید محدود نمیشود. بررسی پیشینه تاریخی این جزیره نشان میدهد که موقعیت جغرافیایی و شرایط طبیعی آن در جذب جمعیت و مطرح شدن آن بعنوان محور تردد و ترانزیت تجارت دریایی بی‌تأثیر نبوده است. همچنین نقش فعال و سهم قابل توجه این جزیره در استحصال مروارید را نیز نباید از نظر دور داشت. در این نوشتار در پی پاسخ به این سؤال هستیم که این جزیره مهم و حساس از نظر موقعیت و شرایط خاص تاریخی چه تأثیری بر تحولات سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در فرایند زمانی دوره باستان تا عصر صفویه داشته است.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ جزیره خارک؛ عملکرد سیاسی؛ عملکرد اقتصادی؛ دوران باستان؛ عصر صفویه

مقدمه

در جزیره خارک آثار و یادمانهای باستانی متنوعی از دوره‌ها، اقوام و مذاهب گوناگون وجود داشته که مشخص نیست چه مقدار از آنها در کشاکش رویدادهای طبیعی و انسانی از میان رفته‌اند. اما قدر مسلم اینکه وجود آثار باستانی چند در این جزیره نشان از اهمیت تاریخی، نظامی، تجاری و لنگرگاهی آن دارد. جزیره خارک از معدود جزایر خلیج فارس است که دارای آب شیرین بوده است. این جزیره پس از فتح توسط مسلمانان در قرن اول هجری، مدتها پناهگاه طرفدارانی از جنبشهای سیاسی همچون خوارج، زنگیان و قرمطیان بوده است. این جزیره در قرن هفتم هجری و در هنگام از رونق افتادن مهروبان و جنابه از عمران و آبادانی برخوردار بوده است.

جزایر خلیج فارس از لحاظ تاریخی و شرایط طبیعی با هم یکسان نیستند و بتبع آن نیز سرنوشت مشترکی ندارند. برخی از این جزایر بسبب منابع معدنی و اهمیت ارتباطی و سوق الجیشی در دوره خاصی از تاریخ آباد و پرجمعیت بوده‌اند و بسیاری دیگر بسبب دوری یا سختی شرایط زندگی

۱. کارشناس ارشد تاریخ گرایش مطالعات خلیج فارس؛ amirrezvan@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)؛ farhad.parvaneh@yahoo.com

جایگاه جغرافیایی

آب و هوای جزیره خارک نسبت به بنادر و جزایر جنوب ایران، خوب است؛ چنانکه احمد فرامرزی به نقل از سرجان ملکم میگوید: «هوای بسیار موافق و آب گوارایی دارد» (فرامرزی، ۱۳۴۷: ۱).

درجه حرارت در این جزیره بالا نیست؛ بطوری که بیشترین درجه حرارت از ۴۴ درجه سانتیگراد بالا نمی‌رود. با بالاگرفتن درجه حرارت، چهره ظاهری جزیره تغییر می‌یابد. میانگین بارندگی ۲۰۰ میلیمتر در سال است که این نسبت نمیتواند ثابت باشد. در سالهای خشک به ۱۵۰ میلیمتر و در سالهای پر باران به ۲۵۰ تا ۵۰۰ میلیمتر میرسد. ریزش باران از اوایل آبان آغاز میشود و مدت بارندگی کم است، ولی قطرات درشت چون سیلی از آسمان فرو میریزد و خیلی زود می‌ایستد. این بارشها بطور متناوب در ماههای آذر، دی، بهمن، اسفند تا اواخر فروردین ادامه دارد. بادهایی که در جزیره خارک میوزند عبارتند از: باد بهاره، باد بحری، باد اشکفت، باد شمال (حمیدی، ۱۳۸۰: ۱۱۲).

در طول تاریخ، نامهای مختلفی از سوی جغرافیدانان و سفرنامه‌نویسان به جزیره خارک اطلاق شده است و بحثهای مفصلی توسط محققان خارجی و ایرانی پیرامون آن مطرح شده است. استرابون یونانی آن را «ایکاره»، پلینی رومی در قرن اول قبل از میلاد آن را «آراکیا»، ابواسحاق فارسی در قرن سوم هجری، مؤلف حدود العالم در قرن چهارم هجری، ابن حوقل در قرن چهارم هجری، ابوریحان بیرونی در سده پنجم هجری و حمدالله مستوفی در قرن هشتم هجری آن را «خارک» ضبط کرده‌اند، اما یاقوت حموی سوری در قرن هفتم هجری آن را خارک به فتح «ر» آورده است و به همین دلیل بعضی از محققان بعدی این نظر را پسندیده‌اند، در حالی که «خارک» برگرفته از «خارک» یا «خرمای نارس» بعید بنظر می‌آید.

میتوان گفت چون کوه‌های خارک از جنس خاره و سنگ محکم است، نام خارک از این کلمه یعنی خاره گرفته شده و بعدها [h] به [g] و در نتیجه خاره به خارک تبدیل شده است (همان: ۲۷۴).

جزیره خارک در شمال غربی بوشهر در مقابل سواحل بندر ریگ قرار دارد. طول این جزیره را هشت کیلومتر و عرض آن را پنج کیلومتر تخمین زده‌اند. مساحت تقریبی جزیره ۳۶ کیلومتر مربع میباشد (الهی، ۱۳۸۶: ۴۸).

خارک جزیره زیبایی است و بعضی آن را به بادبان کشتی بادی تشبیه کرده‌اند؛ یعنی تقریباً مثلث‌مانند است و دارای کوهها یا ارتفاعاتی است به اسامی: کوه تخت، کوه دیدبان و در باختر، کوه گردن‌شتر و مرتفعترین آنها کوه دیدبان است که ۸۷ متر از سطح دریا ارتفاع دارد (پورزاهد، ۱۳۵۱: ۶).

جزیره مرجانی خارک که سنگهای آن مربوط به دوران سوم زمین‌شناسی است، در حدود یک میلیون سال پیش در اثر حرکات و فشارهای تحت‌الارضی و درونی زمین پدید آمده و رویش طبقات مرجانی از چهارده هزار سال پیش تاکنون این جزیره را بر پهنه خلیج فارس نمودار ساخته است (همان: ۱۹). جزیره خارک طاقدیس ملایمی است که معدل شیب طبقات سطحی آن میان ده تا پانزده درجه است. صخره سطح جزیره که گونه‌ی لاک کاسه پشت روی جزیره ساخته، سنگ آهکی از دوره یخبندان و دگرگونیهای زمین است و از سنگهای مرجانی و صدف و پوسته مرمیرینی جانداران کوچک دریایی در گانک (مارن) آهکی تشکیل گردیده است. این اجزا هنوز با یکدیگر نیامیخته‌اند. در نقاطی که این پوشش جزیره شکسته و ریخته است، خاک سرخ و سنگهای ماسه‌ی سرخ و کبود دوره اخیر دگرگونیهای اراضی دیده میشود. صخره آهکی سطح جزیره شیب تندی دارد و آن را میتوان بعنوان سنگ بنایی و ساروج بکار برد (آل احمد، ۱۳۵۶: ۵۲). روی هم رفته هر جا سطح سنگی جزیره شکست برداشته و خاکی دارای ارزش کشت از زیر آن هویدا گشته، بر روی آن آبادی و درختی وجود دارد و در سایر نقاط جزیره مگر در شکاف سنگی یک درخت لور (انجیر معابد) ریشه دوانیده باشد. پوشش سنگی با قطری متفاوت در نقاط گوناگون تقریباً بر همه سطح جزیره کشیده شده است. در این پوشش سنگی، سنگی نرم که از فسیل صدفها و مرجانها تشکیل شده است، وجود دارد (همان: ۵۳).

این مطالب اشاره به این دارد که جزیره خارک در گذشته وطن و جایگاه معلمان و راهنماهای دریا بوده است. زیرا بسیاری از مردم این جزیره در آن روزگاران و حتی تا این اواخر به شغل ناخدایی و ربانی در راه‌های آبی خلیج فارس و دریای عمان و شبه جزیره عربستان و دریای سرخ و حتی کانال سوئز اشتغال داشته‌اند.

جغرافیای تاریخی جزیره خارک

بیشتر تاریخنگاران و جغرافیدانان قرون اولیه اسلامی گزارشاتی در مورد جزیره خارک ارائه می‌کنند که بیشتر حول موقعیت و وسعت و اوضاع جغرافیایی جزیره می‌باشد. ابن خردادبه، مؤلف کتاب *المسالك والممالك* (تألیف ۳۰۰ هـ.ق)، ضمن شرح دادن راه بصره تا خاور از ساحل سرزمین فارس، مینویسد: «از بصره تا جزیره خارک پنجاه فرسخ و آن جزیره‌یی است که یک فرسخ در یک فرسخ است» (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۶). اصطخری نیز در کتاب خود از خارک یاد کرده و آن را جای برابر خشاب میداند (اصطخری، ۱۳۴۴: ۳۴).

ابن حوقل پس از آنکه بنادر را ذکر میکند، از جزیره خارک در مقابل بندر جنابه «گناوه» یاد میکند و آن را تابع اردشیر خوره میداند و از سکنه بسیار آن یاد مینماید (نهیچیری، ۱۳۷۶: ۳۷۱). در *حدود العالم* (تألیف ۳۲۷ هـ.ق) نیز اینگونه آمده است: «اندر جنوب بصره خارک پنجاه فرسنگ است و اندر و شهری بزرگ و خرم مر او را خارک خوانند» (*حدود العالم من المشرق الی المغرب*، ۱۳۶۲: ۲۰).

مسعودی در کتاب *مروج الذهب* که آن را در قرن چهارم تألیف نموده است، ضمن نام بردن از جزایر دریای پارس، از جزیره خارک یاد کرده و مینویسد: «در این دریا جزایر بسیاری هست چون جزیره خارک که از دیار جنابه و گناوه است، زیرا خارک از توابع جنابه است و تا خشکی فرسنگها فاصله دارد» (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱۰۷). ابن بلخی در *فارسنامه* (تألیف ۵۰۰ هـ.ق) فاصله آن را تا بصره ۵۰ فرسخ و تا جزیره قیس ۹۴ فرسخ ثبت نموده است (ابن بلخی، ۱۳۴۴: ۱۱۴).

در نوشته‌های مورخین و جغرافی‌نویسان قرون وسطی

در قرون بعدی یعنی از قرن دهم بدین سوی «خارک» تبدیل به «خارگ» شده است. با اینکه جزء اول کلمه در اسامی مثل خارکان در استان فارس «خارک» به کسر «ر» در سیستان و بلوچستان، «خارقان» با «خرقان» در استان خراسان و به قول آل احمد «خارگُف» را در روسیه می‌بینیم (آل احمد، ۱۳۵۶: ۲۷).

اما بنظر میرسد خارک واژه‌یی ایلامی است و همانطور که در بحث وجه تسمیه کیش عنوان شد این اسم همانند سایر اسامی مانند کیش، چارک، لارک، لافت، قشم و جاسک و جزء آنها همه ایلامی هستند. در *فارسنامه* ناصری درباره وجه تسمیه خارک این چنین آمده است: «جزیره خارگ به ستون را و کاف فارسی در جانب مغربی بندر بوشهر ...» (حسینی فسایی، ۱۳۶۶: ۲۵۰).

نویسنده کتاب *مرآت الممالک* از جزیره خارک بعنوان «جزیره محترمه» یاد میکند. وی در بیان آنچه در دریای هرمز روی داده است می‌گوید: «از شطالعرب از راه مهرزی به عبادان رسیدیم، در آنجا مقام حضرت خضر علیه السلام را زیارت کردیم، سپس به دریای هرمز بادبان گشودیم، از کناره «دوسپول» و «ششتر» به جزیره محترمه رسیدیم، در آنجا مقام امام محمد حنفی بن حضرت علی و شهداء اصحاب رضی الله عنهم را زیارت کردیم» (کاتبی، ۱۳۵۵: ۴۳).

یکی دیگر از نامهای معروف جزیره خارک نزد اعراب خلیج فارس ام‌الربانین است؛ ام بمعنای وطن و مرکز ربانین، جمع ربان که از راهبان و راهبان و راهنمای پارسی می‌آید. لفظ «ربان» و «معلم المركب» یا «معلم السفینه» برای فرمانده کشتی بکار میرفته است.

ابن بطوطه، سیاح معروف مراکشی، درباره نام ربان در دریای سرخ می‌گوید: «در اصطلاح آنها فرمانده کشتی به نام ربان خوانده میشود و او همواره در قسمت مقدم کشتی مینشیند و سکانبان را از محل و موقعیت صخره‌ها می‌آگاهاند. این صخره‌ها را به اصطلاح محلی «بنات» مینامند» (ابن بطوطه، ۱۳۴۸: ۲۳۹).

جزیره خارک در دوران هخامنشیان جزو امپراطوری هخامنشی بوده است و قرن‌ها از مراکز مهم فعالیتهای تجاری و دریایی خاور و باختر بشمار میرفته است. بی‌شک جزیره خارک کنونی در راه بازرگانی دریایی عهد هخامنشی که وسیله سریع ارتباط مدیترانه و هندوستان و راه پربرکت اقتصادی و تجاری روزگار هخامنشی بوده است، نقش مهمی داشته و روزگار رونق و آبادانی خود را در آن عهد سپری کرده است (اقتداری، ۱۳۴۵: ۴۶).

مأموریت سیکلاس کاریاندی از سوی داریوش هخامنشی در حدود سال ۵۱۴ ق.م جهت بررسی راه بین هندوستان و مصر و نیز وجود مقابر کنده شده در سنگ (به رسم هخامنشیان) که بر سطح سنگی جزیره خارک دیده میشود، دلیل مؤید بر با اهمیت بودن جزیره خارک در دوران هخامنشیان است (آل احمد، ۱۳۵۶: ۳۴).

بنظر میرسد که جزیره خارک قرن‌ها پیش از میلاد مسیح و بعد از آن پایگاه تجاری پالمیریان در خلیج فارس بوده است. وجود پایگاه‌های تجاری پالمیری در خارک، گوشه تاریکی از فعالیتهای بازرگانی این مرکز تجاری، یعنی پالمیر را در قرن‌های پیش از میلاد و آغاز عهد میلادی آشکار میکند. کاروانهای آنها به بابل، سلوکیه، دجله و از آنجا به خاراکس و شوش می‌آمد. با وجود چنین پایگاهی در خلیج فارس میتوان حدس زد که امتعه‌یی که از هند می‌آمد، مانند لفل و دارچین و پنبه و ابریشم چین در اینجا معامله میشد. این امتعه باید در خارک از کشتیهای بحرپیما به کشتیهای اجاره‌یی متعلق به پالمیری بار میشد. سپس مستقیماً از این جزیره بسوی فرات میراندند و کاروانها امتعه آنها را به نقاط دورتر به بنادر مدیترانه مانند تیر، سدوم یا بیروت میرساندند. از آنجا مجدداً بار کشتیها شده به مغرب زمین بخصوص رم حمل میگشت. بدین ترتیب جزیره خارک جنوبیترین نقطه تجارت پالمیرها بود (طیاب، ۱۳۸۵: ۸۰).

گفته میشود جزیره خارک در زمان اسکندر کبیر موقعیت مهم دریایی داشته و سرداران اسکندر چندی در این جزیره به سر برده‌اند. نئارک، دریاسالار اسکندر مقدونی با بحریش

اطلاعات کمی در خصوص خارک میتوان یافت. در قرن هفتم هجری توصیف جامعتری از خارک در دست داریم و آن توصیف یاقوت حموی است در زمانی که مهربان از رونق افتاد و جنبه بصورت نیمه‌جان به حیات خود ادامه داد: «خارک جزیره‌یی است در دریای فارس و کوهی است بلند و چون کشتیها از بصره برای عمان حرکت کنند، در صورت باد مناسب، یک شبانه روز به آنجا میرسند و این جزیره از مضافات فارس است» (اقتداری، ۱۳۷۵: ۸۴۶).

یاقوت حموی در معرفی خارک از افرادی همچون ابوصفره که یک شخصیت سیاسی بوده یاد میکند و از شاعری بنام «الخارکی الشاعر» در زمان مأمون سخن بمیان آورده و چند بیت از اشعار وی را مینویسد از جمله:

من کل شی قضت نفسی ماریها الا من الطعن بالتیار بالتین
ترجمه: من همه خواسته‌هایم را برآورده ساختم بجز شمشیر زدن یاقوت.

همچنین از شخصیتهای دیگر مانند ابوهمام الصلت ابن محمد و از بعضی قضات که از خارک برخاسته‌اند یاد میکند (حموی، ۱۹۷۹: م: ۳۳۷).

لسترنج در وصف جغرافیای تاریخی جزیره خارک نوشته است: جزیره خارک از دهانه رود شاپور دور است، از توابع اردشیرخوره و لنگرگاه کشتیهای بود که از بصره بطرف جزیره قیس و هندوستان میرفتند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۸۱).

تاریخ سیاسی جزیره خارک

بعضی از تاریخنگاران بر این باورند که جزیره خارک یکی از پایگاه‌های دوردست امپراطوری ایلام در خوزستان بوده است. احتمالاً این جزیره از ۳۰۰۰ ق. م جزو قلمرو کشور ایلام بوده، زیرا با کشتیهای بادی سه تا چهار ساعت تا بندر بوشهر فاصله دارد و قلمرو حکومت ایلام که پایتخت آن شهر شوش بوده تا حدود کرانه‌های پارس در این نواحی میرسیده است. باستان‌شناسان فرانسوی خشتهایی در بوشهر یافته‌اند که بر روی آنها نوشته‌هایی درباره پادشاهان ایلام منقوش است (مشکور، ۱۳۷۱: ۶۰۹).

که شده باشد توقف کوتاهی در جزیره خارک داشته است. واقعه سیاسی دیگری که در زمان انوشیروان ساسانی رخ داده و به جزیره خارک برمیگردد، اعزام آن دسته از سربازانی است که به قصد اشغال یمن و سواحل عدن اعزام شدند، که بنظر میرسد از جزیره خارک عبور کرده باشند (همان: ۳۷).

بنابراین مسلم است که جزیره خارک در دوران باستان، مسکونی بوده و نقش عمده‌یی در تحولات سیاسی اقتصادی خلیج فارس داشته است. جزیره خارک دلیل موقعیت مهم ارتباطی خود یعنی نزدیکی به ابله (بعدها بصره) لنگرگاه مهم رأس شمالی غربی خلیج فارس بشمار می‌آید؛ به این معنی که کشتیهایی که از ابله به راه می‌افتادند، در اولین جزیره سر راه خود یعنی خارک لنگر می‌انداختند و استراحت میکردند، آب و آذوقه تهیه میکردند و دوباره به مسیر خود ادامه میدادند؛ همانگونه که عکس آن نیز صادق بود؛ یعنی کشتیهایی که از دنیای دوردست هند و سرزمینهای دیگر عازم شمال غربی خلیج فارس یا سرزمین عراق بودند، در این جزیره لنگر می‌انداختند.

بعد از تحولات سیاسی جزیره خارک در دوران باستان، نوبت به فتوحات صدر اسلام میرسد که مسلمانان بر سر راه خود، به سواحل جنوبی ایران و برای رسیدن به هند در این جزیره سکونت کردند و حکامی به آنجا گسیل داشتند. بطور یقین معلوم نیست این جزیره در هنگام فتح اسلامی در چه وضعیتی بوده و با دست چه کسی فتح شده است، ولی تصور میشود این همان جزیره‌یی است که در حکومت «علاء بن الحضرمی» بدست «هرثمه بن عرفجه باری» فتح شد. برای روشن شدن مطلب به نوشته‌های متقدمین اشاره میکنیم:

علاء، هرثمه را مأمور فتح فارس کرد و او جزیره را از نواحی فارس مسخر ساخت و بعد از آنکه «عثمان بن ابی العاص ثقفی» والی بحرین و عمان شد و هر دو قسمت را منظم ساخت، برادرش «حکم بن ابی العاص» را با قشونی مجهز و عظیم از «عبدالقیس» و «ازد» و «تمیم» و «بنی ناجیه» و دیگران را به فارس فرستاد. این قشون، جزیره «ابراکوان» را فتح کرد و سپس «توج» را فتح نمود (فرامرزی، ۱۳۴۷: ۳۸).

از دهانه رود سند حرکت کرد تا به فرات برسد. او از بنادر و نزدیکی کرانه حرکت میکرد تا رابطه خود را با دسته‌یی از سپاهیان اسکندر که در طول ساحل دریا از هند باز میگشتند از دست ندهد. بحریه او به جزیره خارک برنخورد اما بمحض رسیدن به مقصد، یکی از همراهانش بنام آندرستن را موظف کرد تا کشف خلیج را به پایان برساند. استرابون نویسنده قرن اول قبل از میلاد میگوید: «آندرستن انتهای خلیج را دور زد تا به جزیره ایکاره که گویی به ساحل میشود رسید و در آن جزیره معبد آپولون و یکی از هاتقان آرتامیس توروپل را یافت» (میریان، بی تا: ۸۶). بنابراین میتوان پنداشت که جزیره‌یی که آندرستن دور زده است، همان ایکاروس باشد که نام برگردانیده به یونانی جزیره خارک است.

در زمان آنتیوخوس اپی فانس (شاه سلوکی)، در حدود سالهای ۱۷۶-۱۶۴ ق.م نیز یک هیئت اکتشافی به خلیج فارس اعزام شد و آنها به جزیره خارک رسیدند (آل احمد، ۱۳۵۶: ۳۵). براساس چنین پیشامدهایی است که استرابون این جزیره را به نام «ایکاره» ضبط کرده است.

جزیره خارک در دوران ساسانیان، معبر وقایع مهم تاریخی ایران بوده است. ساسانیان برای حفظ راه‌های تجاری خلیج فارس ساخولوهایی در جزایر خارک و کیش و اورال نهاده بودند؛ بخصوص در زمان اردشیر بابکان که مقابل جزیره خارک بندری به همین قصد ساخت که «رام- اردشیر» میخواندند یا «ریشهر» که خرابه‌های آن در جنوب بوشهر هنوز باقی است (همان: ۳۸).

تحولات سیاسی و فرهنگی جزیره خارک در دوره خسرو اول (انوشیروان) از دیگر پادشاهان امپراطوری ساسانی چشمگیرتر است. در زمان این پادشاه، هیئت فرهنگی به سرپرستی بزرگمهر حکیم از طرف حکومت ساسانی رهسپار هند شد؛ چنانکه میدانیم کتاب کلیله و دمنه و شاید سندبادنامه و بازی شطرنج از دستاوردهای این سفر فرهنگی هستند. این هیئت چه از «تیسفون» راه افتاده باشد چه از «جندی شاپور»، بناچار در یکی از بنادر رأس خلیج وارد پهنه دریا شده است و در گذر خود برای تهیه آب آشامیدنی هم

شورش قرامطه در ایام خلافت معتضد عباسی (۲۸۹-۲۷۹هـ.ق) سواحل جنوب خلیج فارس و بخصوص بحرین را دربرگرفت و رهبر این قیام با خلفای عباسی و اعمال ایشان بر سر تصرف سواحل و جزایر می‌جنگید. بنا به قول نویسنده کتاب دولت عباسیان یکی از اهداف قرامطه «ایجاد هرج و مرج و نا آرامی در آنجا بود تا تجارت آن شهر بندری را به بنادر خلیج فارس منتقل کنند، زیرا آنان بر این بنادر تسلط داشتند. افزون بر آن می‌خواستند سلطه خود را بر تجارت دریای هند بگسترانند» (طقوش، ۱۳۸۰: ۱۸۹).

در هر صورت قرامطیان یک جنبش اجتماعی مذهبی کاملاً سازماندهی شده را پدید آوردند که با تشکیل سه حکومت بحرین، مولتان هند و حکومت مصر و تونس جمعاً ۲۶۴ سال در مقابل خلفای اسلام در بغداد ایستادگی نمودند.

درباره جزیره خارک از قرن پنجم هجری به بعد تا فتح آن توسط حاکم هرمز، در منابع آن دوره غیر از توصیف جغرافیایی مطلب دیگری نمی‌بینیم. جزیره خارک در کنار کیش و دیگر جزایر خلیج فارس در سال ۷۲۸هـ.ق توسط قطب‌الدین تهمتن حاکم هرمز فتح شد. بعد از فتح کیش، قطب‌الدین تهمتن جزایر خارک، اندرابی، و اورال (بحرین) را هم مسخر خویش نمود (اقبال، ۱۳۲۸: ۴۲). بنابراین میتوان چنین پنداشت که توجه به عمران و آبادی این جزیره بعنوان شمالیترین جزیره خلیج فارس که تحت تسلط ملوک هرمز بود از زمان قطب‌الدین تهمتن آغاز شد و تا آغاز قرن دهم هجری یعنی تا زمان پایان اقتدار ملوک هرمز و ورود پرتغالیها همچنان ادامه داشت.

اقتصاد خارک (مروارید خارکی)

شرایط طبیعی و اقلیمی خلیج فارس و جزایر آن (بویژه خارک)، بسترهای مناسبی برای زیست صدف مرواریدساز در آن ایجاد کرده است. مرواریدهای این منطقه از بهترین انواع مرواریدهای جهان هستند؛ چنانکه بسیاری از صاحبانظران جهان حتی این مرواریدها را بهتر از مرواریدهای جزایر اندونزی، سیلان و خلیج مکزیک میدانند.

ابن اثیر بعد از اینکه مینویسد این فتح بدست «عثمان بن ابی العاص» صورت گرفت، میگوید: بقولی هم برادرش این فتوحات کرد و نیز میگوید: ابتدا جزیره «ابراکوان» که در راه بحرین بود، مسخر خویش ساخت و بعد از آن به «توج» رفت. در تفصیل فوق، نامی از خارک نیامده است، اما اینکه بلاذری بدون ذکر اسم میگوید ابتدا جزیره‌یی از ناحیه فارس فتح کرد و بعد «توج» را مسخر ساخت و اینکه ابن اثیر میگوید. فاتحان «گناوه» و «سنیز» را که دو بندر مقابل جزیره خارک بودند گشودند و بخصوص اینکه ابن بلخی در شرح چگونگی فتح پارس نوشته است: «مسلمانان پس از فتح جزایر به توج آمدند» (ابن بلخی، ۱۳۴۴: ۱۱۴)، نشان میدهد که به احتمال قریب به یقین جزیره خارک پیش از سواحل خلیج فارس توسط مسلمانان فتح شده بود.

بعد از مخالفت‌هایی که در سواحل جنوبی خلیج فارس بر علیه خلافت اموی و عباسی بروز کرد، جزیره خارک پناهگاه طرفدارانی از جنبش‌هایی همچون خوارج، صاحب الزنج و قرامطیان شد که قیام خود را علیه صاحبان قدرتهای سیاسی و اقتصادی آغاز کرده بودند.

صاحب الزنج با قیام خود توانست بخش عمده‌یی از مناطق بصره، سواحل خوزستان، بحرین، عمان و بعضی از جزایر خلیج فارس را تحت امر خویش در بیاورد و ارتباط خلافت عباسی را با دریا قطع کند و زیانهای اقتصادی جبران‌ناپذیری بر عباسیان وارد نماید. احتمال اینکه جزیره خارک نیز جزو مناطقی باشد که صاحب الزنج یا عده‌یی از طرفدارانش به آن توجه کرده باشند، بعید نمی‌نماید. قیام صاحب‌الزنج یکی از شگفت‌ترین قیامهای قرن سوم هجری است که بر پایه اختلاف طبقاتی میان اشراف و بردگان شکل گرفت.

پس از قیام زنگیان که اساس حکومت و بنیان حکومت عباسیان را متزلزل ساخته بود و با تلفات انسانی و مالی بسیار همراه بود، قرامطیان وارد صحنه مبارزه شدند و به قیام دیگری پرداختند که از نظر قدرت و حدود قلمرو و بسط حکومت و تأسیس نظام اجتماعی در جهت رفاه مستمندان از نهضت صاحب الزنجی برتر و مهمتر بود.

در یک سال بیشتر میکاهد تا حدی که در بعضی جاها نسبت به خمس میرسد. مروارید سیلان بعد از پنجاه سال بطور کل از جنس مرواریدی خارج میشود (نوربخش، ۱۳۸۱: ۳۴۸-۳۴۹).

آثار باستانی و بناهای تاریخی خارک

بقایای قبرهای سنگی: قدیمیترین آثاری که هیئت باستانشناسی فرانسوی در خارک یافته است، دو قبر سنگی مربوط به تقریباً هزارسال پیش از میلاد است. این دو قبر در سنگ کنده شده و هنوز لحد آنها که عبارت از دو تخته سنگ ضربی است، حفظ شده است. یکی از قبرها خالی بود و در دیگری که با دقت گشوده شد، بازمانده تقریباً پانزده اسکلت تشخیص داده شد که آشفته و در هم ریخته بودند. دفن کردن مردگان در جزیره‌یی که قبرهای آن را نمیتوان در خاک کند، بلکه باید در سنگ حفر نمود، سبب میشود که اهالی از گورها بدفعات استفاده کنند و استخوانهای پشین را در قبرهای قدیمیتر بریزند. سکه‌های رومی که در این مقبره یافت شده، نشان میدهد که انتقال اجساد در قرن چهارم یا پنجم میلادی صورت گرفته است (اقتداری، ۱۳۷۵: ۸۴۸).

معبدها: از آنجا که انسان از روزگار کهن در جستجوی آب بوده تا پرستشگاه خود را در کنار آن بنا کند، ساکنان جزیره خارک نیز از دورانه‌های ناشناخته کهن، چنین بوده‌اند. در این جزیره یک معبد پوزئیدن، یعنی خدای دریاها، وجود دارد که مورد علاقه دریانوردان دریای پارس بوده است. این معبد از سنگهای بزرگی که هنرمندانه تراشیده شده‌اند ساخته شده و اکنون در انتهای آرامگاه میر محمد قرار دارد. در روزگار ساسانیان، روی این معبد یونانی آتشکده‌یی بنا شده است. هنگامی که دین اسلام پدید آمد، این آتشکده به مسجد تغییر یافت و در آن محرابی ساختند که بسوی کعبه بود (فرامرزی، ۱۳۴۷: ۶۱).

کلیسا: در باختر جزیره خارک، بازمانده یک کلیسای نسطوری (مسیحیان ایرانی روزگار ساسانیان) وجود دارد. در دوران ساسانیان شمار زیادی از نسطوریان در جزیره خارک میزیستند و با تکه‌های بزرگ سنگ تراشیده کلیسایی زیبا بنا کرده بودند. این کلیسا، گوری با پاره‌های سنگ تراشیده شده

یکی از کمیابترین و گرانبهارترین مرواریدهای خلیج فارس در یتیم یا مروارید سیاه است که در اطراف جزیره خارک صید میشود (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۹). مرواریدهای اطراف جزیره خارک، با الوان مختلف و درخشندگی مخصوص و دوام و بقای خود گل سر سبد مرواریدهای جهان است. در گذشته در اطراف جزیره خارک یک نوع مروارید بسیار گران قیمت و پرازش صید میشد که در همه جا به «مروارید خارکی» معروف بود. مسعودی در *مروج الذهب* (تألیف ۳۴۶ هـ.ق) درباره مروارید خارک مینویسد: «... این جزیره (خارک)، محل غوص مروارید است که مروارید خارکی را از آن محل استخراج میکنند» (مسعودی، ۱۳۷۴: ۱۰۷).

اصطخری در *مسالك و ممالک* بهترین مروارید در خلیج فارس را مربوط به جزیره خارک میداند و در اینباره مینویسد: «خارک ... معدن مروارید باشد اندک مایه مروارید خیزد لیکن این مروارید قیمت افزون آرد و گفته اندکی در یتیم از این معدن یافته‌اند...» (اصطخری، ۱۳۴۴: ۳۴). مقدسی در *احسن التقاسیم* (تألیف ۳۷۵ هـ.ق) ضمن شرح معدنهای خلیج فارس، از مروارید جزیره خارک که از راه غواصی بدست می‌آید و به در یتیم معروف است، یاد میکند (مقدسی، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

مورخان، جغرافیدانان و سفرنامه‌نویسان دیگری همچون یاقوت حموی در *معجم البلدان* و گای لسترنج در *سرزمینهای خلافت شرقی* از جزیره خارک که صیدگاه مروارید است نام برده‌اند و از ثروت و آبادی این صیدگاه یاد کرده‌اند.

تاورنیه، جهانگرد و تاجر فرانسوی معاصر شاه عباس، درباره صید مروارید خارکی و اهمیت آن چنین نوشته است: اما جزیره خارک در حوالی آن غوص مروارید میشود. سابقاً غوص مروارید منحصر به حوالی بحرین بوده، ولی مرواریدهایی که در حوالی خارک یافت میشود، از مرواریدهای حوالی بحرین بهتر است. باید دانست که جنس مروارید اطراف جزیره خارک بهترین جنسهای مرواریدهاست؛ چه در سفیدی و چه در صلابت و تجربه کرده‌اند که مرواریدهای جزیره خارک هر یک سال دیک از آب و رنگش میکاهد، مرواریدهای جاهای دیگر

نتیجه‌گیری

نتایجی که از بحث خارک و نقش آن در تحولات سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در فرایند زمانی مورد نظر در این پژوهش حاصل میشود نشان میدهد که خارک جزیره‌یی است باستانی که حتی قبل از اسلام اهمیت داشته است؛ زیرا در آنجا آثاری از دوران باستان بدست آمده است؛ از جمله قبرهای بازرگانان پالمیری. خارک در همان دوران اولیه اسلامی بدست مسلمانان فتح شده و جایگاه ارتباطی این جزیره و نزدیکی آن به بصره، بحرین، مهربوبان و جنبه اهمیت ویژه‌یی به آن داده است. خارک در دوران اسلامی علاوه بر موقعیت ارتباطی خود بلحاظ صید مروارید شهرت داشته است. جزیره خارک همواره دارای دریانوردان ماهری بوده که کار راه بلدی و هدایت کشتیهایی که از سرزمینهای دوردست می‌آمدند را انجام میدادند. در دوران حاکمیت ملوک هرمز به این جزیره توجه خاصی شده و بعنوان شمالیترین جزیره رأس خلیج فارس به فعالیت خود ادامه داده است تا اینکه استعمارگران پرتغالی و هلندی به خلیج فارس و جزایر آن آمدند.

منابع

- آل احمد، جلال؛ در یتیم جزیره خارک خلیج فارس، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- ابن بطوطه؛ سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- ابن بلخی؛ فارسنامه، تصحیح علی نقی بهروزی، شیراز: اتحادیه مطبوعاتی فارس، ۱۳۴۴.
- ابن خردادبه؛ مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، تهران: میراث ملل، ۱۳۷۱.
- اسدی، بیژن؛ خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
- اصطخری؛ مسالک و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- اقبال، عباس؛ مطالعاتی در باب بحرین و سواحل خلیج فارس، تهران: چاپ خانه مجلس، ۱۳۲۸.
- اقتداری، احمد؛ آثار شهرهای باستانی جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵.

و میان سرای سه‌گانه‌یی دارد که به سبک معماری ساسانی، بخش میانی از کناره‌ها بزرگتر است (گیرشمن، ۱۳۶۹: ۳۷۳).

آرامگاه میر محمد: در مورد بقعه امامزاده میرمحمد خارک در کتاب جزیره خارک اثر احمد فرامرزی شرح مفصلی آمده که عیناً قسمتی از آن را نقل میکنیم:

در جزیره خارک ضریحی است که مردم آنجا ادعا میکنند ضریح محمد بن حنفیه فرزند حضرت علی بن ابیطالب (ع) است و چون این فرزند از فاطمه زهرا علیها سلام نیست و از جاریه‌یی است بنام «حنفیه» او را به مادرش نسبت میدهند. اما بی‌شبهه ضریح مزبور متعلق به محمد بن حنفیه نیست. با تمام این احوال، موقعی که یاقوت حموی به آنجا رفته این ضریح به همین اسم موجود بوده که یاقوت تاریخ آن را رد میکند و توضیحی از گنبد و بنای آن بعمل نیاورده است. محمد بن ابراهیم کازرونی درباره گنبد میگوید: «مهندسی و طراحی که در اسلوب بنا بکار رفته چنین مینماید که بانی آن، خجسته سلطانی قوی شوکت در بحر و بر فرمانروا بوده است، زیرا که در استحکامات و طراحی آن کمال دقت نموده و چشمه آبی در آن بقعه والا مقام فرح فزا جاری است» (فرامرزی، ۱۳۴۷: ۲۶).

سنگ‌نبشته خارک: کتیبه خارک به اندازه ۲۰ در ۳۰ سانتیمتر بر روی سنگ مرجانی بومی جزیره نوشته شده است. این کتیبه در روند تسطیح و ساخت جاده‌یی جزیره خارک در زیر سنگ پیدا شده است. کتیبه در شش سطر تشکیل شده که ظاهراً دربردارنده شش واژه به خط و زبان فارسی باستان متداول در عصر هخامنشی باستان است و هیچیک از هشت کوه‌نوشت فارسی باستان در این کتیبه بکار نرفته است. کتیبه خارک از لحاظ شیوه اجرا، بیشتر شبیه ویژگیهای کتیبه‌نویسی پهلوی عصر ساسانی است تا دقت و ظرافت فنی و هنرمندانه عصر هخامنشی (مرادی، ۱۳۸۸: ۳۱). از دیگر آثار باستانی در جزیره خارک خانه کشیشان، صومعه و گورهای اواخر دوران ساسانی میباشد.

- گیرشمن؛ جزیره خارک (متن سخنرانی)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت خارجه، ۱۳۶۹.
- لسترنج، گای؛ سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.
- مرادی غیاث آبادی، رضا؛ کتیبه خارک در خلیج فارس، تهران: نشر معراج، ۱۳۸۸.
- مسعودی، ابی الحسن علی بن الحسین؛ مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۴.
- مشکور، محمد جواد؛ جغرافیای تاریخی ایران باستان، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۱.
- مقدسی، ابوعبدالله محمداحسن؛ التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: انتشارات کومش، ۱۳۸۵.
- میریان، عباس؛ جغرافیای تاریخی خلیج و دریای پارس، خرمشهر: کتاب فروشی میریان، بی‌تا.
- نوربخش، حسین؛ فرهنگ دریایی خلیج فارس، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- نهجیری، عبدالحسین؛ جغرافیای تاریخی شهرها، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶.

- _____؛ خلیج فارس، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۴۵.
- الهی، همایون؛ خلیج فارس و مسائل آن، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۶.
- پورزاهد؛ جزیره خارک، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۱.
- حدود العالم من المشرق الی المغرب؛ بکوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۶۲.
- حسینی فسایی، میرزا حسن؛ فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- حموی، یاقوت؛ معجم البلدان، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العرب، ۱۹۷۹ م.
- حمیدی، سیدجعفر؛ فرهنگ‌نامه بوشهر، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- طقوش، محمد سهیل؛ دولت عباسیان، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
- طیاب، منوچهر؛ سفر در ایران (۱)، تهران: کتاب خورشید، ۱۳۸۵.
- فرامرزی، احمد؛ جزیره خارک، بکوشش حسن فرامرزی، تهران: بی‌نا، ۱۳۴۷.
- کاتبی، سیدعلی؛ مرآت الممالک، ترجمه محمود تفضلی و علی گنجه‌لی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.